



۸ مارس تجسم همبستگی مبارزاتی

زنان گرامی باد!

درهشتم مارس ۱۹۰۸ زنان کارگر نساچه‌های آمریکا طی یک اعتصاب همگانی و تظاهرات وسیع در نیویورک، خواهان پایان دادن به قوانین غیر انسانی ۱۲ ساعت کار در روز برای زنان و کودکان شدند. در این تظاهرات خواسته‌هایی از قبیل عدم اشتغال کودکان، تقلیل ساعات کار در هفته، بدست آوردن حق رای زنان مطرح شدند. بدین ترتیب این تظاهرات به نقطه عطفی در تاریخ مبارزات زنان کارگر آمریکا تبدیل و با توجه به پیشرو و توده ای بودن این اقدام مورد استقبال زنان انقلابی جهان قرار گرفت. و در ۱۹۱۰ در کنفرانس بین المللی زنان در کپنهاگ به پیشنهاد کلارا زتکین چهره درخشان سوسیال دموکراسی آلمان و از پیشروان جنبش زنان، تصمیم گرفته شد این روز بعنوان روز جهانی زن شناخته شود. بدون شک نام گذاری ۸ مارس بعنوان روز جهانی زن، به این خاطر نبوده است که هر سال در این روز بزرگ صرفا با دادن شعاری به گرامی داشت آن اکتفا شود. بلکه این روز بمثابة روز تجسم همبستگی زنان بر علیه ستم جنسی در تمامی جلوه های آن، فرصتی است برای تمامی انسانهای آزادیخواه که پشتیبانی خود را از مبارزات بر حق زنان اعلام دارند. هر چند که بورژوازی برای زدودن خاطره مبارزات پرشکوه و اعتصاب عمومی زنان کارگر در آمریکا که این روز از یاد و خاطره آنها نشأت میگیرد، تلاش کردند روزه‌های دیگری را بعنوان روز زن اعلام کنند، اما امروزه در سراسر جهان هیچ نیروی انقلابی و مترقی نیست که روز همبستگی جهانی زن را به رسمیت نشناسد.

بزرگداشت این روز مبین این واقعیت انکارناپذیر است که علاوه بر مبارزه مشترک زنان و مردان کارگر و زحمتکش علیه استثمار و بی حقوقی نظام سرمایه داری، اما مبارزه ویژه زنان برای رسیدن به برابری و رهایی از ستم جنسی و مردسالاری نیز از حقایق تاریخی بر خوردار است.

امروز مبارزات سیاسی و فرهنگی زنان پیشرو در کشورهای مختلف جهان هر چند توانسته است توجه نیروهای سیاسی و اجتماعی را نسبت به مساله زن جلب کند و مبارزه ای نسبتا گسترده علیه تبعیضات جنسی و نابرابری حقوق زنان با مردان شکل گرفته است اما هنوز تبعیض جنسی، مردسالاری به اشکال مختلف ادامه دارد.

اگرچه نهضت مساوات طلبانه زنان در سطحی گسترده بعد از رشد سرمایه داری شکل گرفته اما سوسیالیسم علمی اولین فلسفه و جریان اجتماعی بود که بر خوردی ریشه ای و انقلابی با مساله رهایی زنان انجام داد، درحالیکه خواسته‌های پیشروان دموکراتیک بورژوازی و حامیان جنبش مساوات طلبانه زنان عموما از حد خواسته های حقوق شهروندی نظیر حق رای حق اشتغال و حق تحصیل و طلاق و غیره فراتر نرفتند. این مارکسیسم و سوسیالیسم علمی بود که برای اولین بار در تاریخ بشر بطور علمی و ریشه ای و تاریخی ستم کشیدگی زن و مساله ستم مضاعف را طرح و برای آن راه حلی انقلابی ارائه داد.

در ایران نیز همزمان با تکوین سرمایه داری مبارزه علیه ستم کشیدگی زنان وارد دوران

بقیه در صفحه ۲

این هم از خیمه شب بازی ((انتخابات))!

همانطور که قابل پیشبینی بود، ((انتخابات)) هفتمین دوره مجلس ارتجاع، در غیاب اکثریت بزرگی از توده های مردم به نمایش مضحکی از یک خیمه شب بازی بی ارزش تبدیل شد. تحریم گسترده ((انتخابات)) و اعتراضات و درگیریهایی که بقیمت ضرب و شتم و دستگیری و کشته و مجروح شدن تعداد زیادی از افراد جناح های مختلف و مردم عادی تمام شد، در واقع بار دیگر که بوسیدگی دم و دستگاه دولتی را نشان میدهد که به یمن سالها سرکوب، کشتار و خفقان و فقدان آترانوی انقلابی و مردمی همچنان بر اریکه قدرت جاخوش کرده است. در این باصطلاح ((انتخابات)) از آرای ثابت مربوط به عوامل رژیم و باند های مافیایی قدرت و ثروتی که همواره بخشی از کاسه لیسان خود را دارند بگنیم و از آنهایی که با پول و تهدید و یا خطر از دست دادن شغل و موقعیت خود به پای صندوقهای رای رفتند و طبیعتاً تعداد زیادی از عوامل خود را نیز بدنبال خویش کشیدند را نیز مد نظر قرار دهیم و با احتساب تقلبات آشکار و نهان، میتوان نتیجه گرفت که در واقع اکثریت قاطعی از مردم با نرفتن به پای صندوق های رای نه تنها به رهبران رژیم، بلکه به جهانیان اعلام کردند که از رژیم حاکم متنفرند و خواهان دگرگونیهای اساسی در وضعیت موجود هستند. اما واقعیت امر این است که این اعلام انزجار بر حق کافی نبوده و نیست. و هنوز هیچ امیدی را برای تغییر ایجاد نمیکند.

بقیه در صفحه ۲

در صفحات بعد:

شوراها را بپا داریم!

صفحه ۳

گزارش از آکسیون افشاگری نقض حقوق زنان

صفحه ۵

در افشای چهره کریه سلطنت طلبان

صفحه ۶

تظاهرات گسترده علیه تمرکززدایی در ترکیه

صفحه ۷

تحصن معلمان در اردبیل

صفحه ۷

اعتصاب آموزگاران و دبیران زحمتکش

صفحه ۸

حمله نیروی انتظامی به معلمان در همدان

صفحه ۸

گزارشاتی دیگر از اعتصابات معلمان

صفحه ۸

مرگ مرد ایرانی چهار روز پس از خوردن شلاق

صفحه ۹

خانه از پای بست ویران است

صفحه ۱۰

آخرین اخبار

صفحه ۱۰

کار، مسکن، آزادی، جمهوری فدراتیو شورایی!

۸ مارس تجسم همبستگی مبارزاتی زنان گرامی باد !

بقیه از صفحه اول

۸ مارس سمبل همبستگی و پایداری زنان در بدست آوردن حق مسلم شان است. ۸ مارس فرصتی است برای همه انسانهای آزادیخواه که پشتیبانی خود را از مبارزات زنان برای رهایی از ستم جنسی اعلام دارند. ما نیز این روز بزرگ را که یاد آور مبارزات دلیرانه زنان برای آزادی و برابری و یک جامعه انسانی فارغ از ستم جنسی است. به تمامی زنان و مردانی که در این راه کوش میکنند شادباش میگوئیم.



جدیدی شد و در طول پیش از چندین دهه با ارتقای سطح مبارزه طبقاتی و گسترش اندیشه های سوسیالیستی، جنبش زنان نیز از خواست ها و مطالبات پیشرفته تری برخوردار شدند. بدون شک جنبش کمونیستی و انقلابی ایران در این جهت از دیرباز پیشروترین نیروی سیاسی و اجتماعی محسوب میشود اما با وجود این، هنوز جنبش کمونیستی کشور ما آنگونه که شایسته است چه در حوزه نظری و چه در حوزه عملی و برنامه ای و تاکتیکی توانسته است رشد و پختگی لازم را از خود نشان دهد. ناسف بارتر اینکه برخی از نیروهای چپ با این توجیه و پیش فرض اکونومیستی که با برافزاندن نظام طبقاتی ستم جنسی و مردسالاری نیز برخورد افتاد، اهمیت لازم را به مبارزه ای مداوم، با برنامه و مشخص علیه ستم جنسی و مردسالاری ننمیدهند و بر خود به مساله زن را به چند مقاله کلیشه ای و شعارهای آتشین آنها عمدتاً در روز گرامی داشت ۸ مارس محدود میکنند. در مقابل برخی از محافل روشنفکری و جریانهای بورژوا... فمینیستی از این نقطه ضعف های جنبش چپ و کمونیستی استفاده کرده و تلاش میکنند تا جنبش رهایی زن را در مقابل جنبش چپ و مبارزات طبقه کارگر و سازمانهای کمونیستی قرار دهند. تکیه بر وجه جنسی ستم مضاعف و فراموش کردن وجه طبقاتی ستم کشیدگی زنان، در عمل مبارزه برای رهایی زنان را محدود و آنرا به جنبشی نه علیه مردسالاری و ستم جنسی بلکه به مبارزه علیه مردان سوق میدهند. متأسفانه کم نیستند زنان مبارز و زحمتکشی که بجای تلاش در جهت رفع ضعف ها و کمبود جنبش کمونیستی و مبارزه با انحرافات آن، به برخوردی منفعلانه و عکس العملی مایوسانه و گاه ضدیت با جنبش چپ کشیده میشوند و راه خود را از راه جنبش کمونیستی و جنبش طبقه کارگر جدا میسازند.

امروز در سالگرد ۸ مارس با وجود حکومت ارتجاعی مذهبی و وسعت و عمق مردسالاری و ستم مضاعفی که در جامعه ما بر زنان روا داشته میشود و با توجه به تضاد عمیق سیستم ارتجاعی موجود که با رشد فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی زنان ایران هیچگونه مناسبیتی ندارد، احقاق حقوق دموکراتیک زنان یکی از مبرمترین وظایف جنبش انقلابی و کارگری ایران محسوب میشود ما در کنار مبارزه برای سرنگونی نظام حاکم باید با تبلیغ و ترویج معیارها، ارزشها و فرهنگ نوین سوسیالیستی، مبارزه سیاسی و فرهنگی علیه مردسالاری و ستم جنسی را در تمامی ابعاد در دستور مبارزات روزمره خود قرار دهیم. جنبش کمونیستی و کارگری بعنوان مبلغ و مروج و برپاکننده عالی ترین نوع دموکراسی میباید چه در تئوری و چه در عمل روزمره خود، پاسخی روشن و علمی و عملی به مساله مهم ستم بر زنان ارائه دهد، بویژه وظیفه زنان مبارز و کمونیست است که بموازات مبارزه علیه سرمایه داری و برقراری نظامی سوسیالیستی در عین حال علیه سنت های ارتجاعی و دیرپای مردسالاری و ستمکشیدگی زنان به مبارزه ای همه جانبه برخیزند و با توجه به نهادینه شدن این فرهنگ ارتجاعی در جامعه ما که بی شک تأثیرات خود را بر مبارزات کمونیست نیز برجای میگذارد باید مردان هم‌رزم خود را نیز در تغییر بینش ها سنن و عادات و روشهای کهن مردسالاری یاری رسانند. در عین حال با حرکت از این اصل که هرگونه ستمی مبارزه ای ویژه برای رفع آن ستم توسط خود ستمدیدگان را بار میآورد، بخشی از نیروی خود را در خدمت جنبش مستقل زنان قرار دهند و در بسیج و سازماندهی توده ای زنان در تشکلات دموکراتیک همت گمارند .

این هم از خیمه شب بازی ((انتخابات))!

بقیه از صفحه اول

همانطور که قبل از ((انتخابات نیز گفتیم))، این رژیم و هر رژیم ارتجاعی دیگر در فقدان حرکت مستقل و مبارزه پیگیر مردم بدون توجه به رای و افکار عمومی به حاکمیت خود ادامه خواهد داد. برای اینکه این تغییر به تحقق خواست های آزادیخواهانه و برابری طلبانه منجر شود باید قدرت مردم از قوه به فعل در آمده و با سرنگونی رژیم و بدست گرفتن سرنوشت خود کار را یکسره کند.

کارگران ، مردم زحمتکش !

میبینید که در غیاب برآمد متشکل و متحد شما اول اسفند نیز همچون مقاطع مشابه دیگری سپری شد و وعده وعید های پوچ و غیر عملی کسانی که به شما وعده ((رفرا ندیم)) تغییر ((مسالمت)) آمیز حاکمیت و غیره را میدادند دود شد و هوا رفت. نرفتن شما به پای صندوق های رای یک بار دیگر به این واقعیت انکار ناپذیر تاکید گذاشت که خواست سرنگونی رژیم و تغییرات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بنیادین یک خواست توده ای است. برای رسیدن به این هدف و خلاصی از حکومت سرنیزه و سرکوب و ستم استثمار قدرتی جز بازوان توانای شما کارگران و زحمتکشان، زنان جوانان دانشجویان دانش آموزان وجود ندارد و برای بکارگیری این توان ازاری جز متشکل شدن شما در تشکلات های

بقیه در صفحه بعد

کارگران جهان متحد شوید! Workers of the world unite!

این هم از خیمه شب بازی ((انتخابات))!

بقیه از صفحه قبل

مختلفه، نظیر انجمن‌ها، شوراها و کمیته‌های کارخانه و غیره وجود ندارد. بدون توهم به کسانی که جز به قدرت و ثروت نمی‌اندیشند و با کنار زدن کسانی که مبارزات و اعتراضات شما را وجه المصلحه سازشها و بده بستانهای خود با دارندگان قدرت و ثروت میسازند، هر جا که هستید نطفه تشکل‌های بزرگ آینده را بسازید هم طبقه‌ای‌ها و هم صنف‌ها و هم کاران خود را به پیوستن به آنها فرا بخوانید.

شوراها را بپا داریم!

مصطفی حبیبی وند

انتخابات مجلس شورای اسلامی علیرغم کشمکشهای درونی و اعمال نظارت استصوابی بر جناح دوم خردادی، اول اسفندماه به حکم ولایتی "حکومتی" برگزار گردید. علیرغم درگیری‌ها در حوزه‌های انتخابیه، تقلبی و باطل خواندن انتخابات از طرف بخشی از دوم خردادی‌ها و بر خورد دوگانه قوه اجرائیه و اعتراض پاره‌ای از پارلمانها و مقامات کشورهای خارجی به شیوه حذف رقیب، نمایندگانی به مجلس فرستاده شدند که حکایت از گرایش تمرکز و حل اختلافات درونی به شیوه اعمال قدرت و حذف باند اصلاح طلب حکومتی از قوه اجرائیه و مجلس شورای اسلامی و حل تضاد جمهور اسلامی بفتح اسلام ولایتی است که بنوعی در دوره‌های پیش موجب انعکاس تضادهای درونی رژیم و گسترش آن در میان مردم بود. این کشمکشها و درگیریها نشان داد که انتخابات ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی ابزاری است برای حل مقطعی تضادهای درونی و یاری به روابط بین‌المللی و سیاست خارجی.

علیرغم شکست راهبرد پارلماناریستی و انتخاباتی در جوامع پیشرفته تحت حکومت بورژوازی این شیوه به روش بسیار ارتجاعی و عقب مانده‌ای در کشورهای جهان سوم تبلیغ و حمایت می‌شود، که لازم است برای رسیدن به ماهیت و اشکال انتخاباتی، به بررسی تاریخی عملکرد چنین تفکری در جوامع مختلف دست یازید. ولی آنچه که توجه ما را به مسئله انتخابات و رای گیری مشغول می‌کند توازن قدرت مابین طبقات و همچنین گروههای اجتماعی و اقتصادی است که در خلا قدرت فردی و یا گروه خاصی در ساختار نظامها و سلسله مراتب نهادهای اجتماعی صورت می‌گیرد. با این حال نقش مردم نسبت به سطح آگاهی و رشد نهادهای مدنی و میزان قدرت سرکوب حکومتی قابل تعریف می‌باشد. در احکام اسلامی قوانین قائم به وحی و غیر قابل تغییر توسط انسان تعریف شده است و اساساً مردم در تدوین و یا تفسیر آن نقشی ندارند، اگر هم صحبت از شورا به میان آمده است دامنه آن بسیار محدود و شامل یاران محمد و یا خودی‌ها می‌شود. بر این اساس ساختار سازمانی حکومت در اسلام به سلسله ولایت بر می‌گردد و اگر هم در جمهوری اسلامی انواع اقسام مجالس بعنوان ساختار تشکیلاتی ادعا میشود این در حقیقت همسویی اسلام با ساختارهای نوین اجتماعی است که با افزودن پسوند اسلامی تحت کنترل در می‌آیند. اساس تأکید اسلام به قبول اسلام و مریدی است و اشاره به شورا در قرآن دخالت در

مبانی احکام اسلام نیست. اگر هم جلسه‌ای صورت گرفته میان نزدیکترین افراد و در حد مشورتی بوده که بیشتر در هنگام جنگ و لشکر کشیها صورت می‌گرفته است. اولین جلسه رسمی بعد از فوت محمد برای تعیین خلیفه مسلمین صورت می‌گیرد که به خلافت ابوبکر می‌انجامد که در این جلسه اثری از رد پای مردم "حتا مسلمان" دیده نمی‌شوند. با ایجاد شکاف در جامعه مسلمین، شیعیان به دفاع از ولایت موروثی حکومت اسلامی و حمایت از خاندان بنی هاشم بر می‌آیند و دامنه وراثت را به حکومت امام زمان متصل می‌سازند. ولی تا تحویل حکومت به وارث اصلی، ولی فقیه این نقش را به عهده می‌گیرد. در حکومت ولایتی احکام حکومتی تابعی از شرع بوده و مشروعیت خود را از قرآن و سنت می‌گیرد و هیچگونه نقشی برای مردم جایز نمی‌داند و انسانها را گمراهانی می‌شمارد که باید توسط احکام شرع هدایت شوند. این تفکر بنوعی در میان ادیان آشکار است و نقش بارز اسلام بعلمت همزمانی حکومت اسلامی با پیامبری محمد می‌باشد و محمد توانست حکومتی با احکام الهی بر زمین برقرار نماید. با این وجود رسالت سیاسی حکومت دینی به عهده طرفداران و پیروان ادیان گذاشته شد که توانستند در مقاطعی با دخل و تصرف در احکام، تغییراتی بوجود آورند. حکومت کلیسائی در اروپا دستخوش دگرگونی قرار گرفت و مردم توانستند با حذف کلیسا ضربه بزرگی به پایگاه اقتصادی آن که بر زمین و روابط فئودالی استوار بود وارد سازند و همچنین تحولی در ساختار اجتماعی و اقتصادی و سیاسی بوجود آورند و کلیسا را از امور سیاسی برکنار سازند و از طریق پارلمان و اشکال انتخاباتی قدرت مردمی را به نمایش بگذارند. با بر هم خوردن توازن قدرت مابین نیروهای اجتماعی جدید و با تسلط بورژوازی به ارگانهای حکومتی و سازمانهای اقتصادی و نظامی نقش نهادهای پارلمانی و انتخابات کم رنگتر شد و قدرت واقعی بطور سیستماتیک به ارگانهای بورژوازی منتقل و پارلمانها به حاشیه رانده شدند و یا به عنوان محلی برای طرح اعتراضات و یا تصویب آئین نامه‌های اجرائی در آمده‌اند. روند انتخابات و مجلس در ایران متأثر از دو عامل است یکی عامل داخلی که تابعی از بحرانهای اجتماعی و اقتصادی و . . و عدم توازن نیروهای داخلی است و عامل دیگر، تنظیم روابط بین‌المللی و ورود به جرگه کشورها و تنظیم قراردادها است. تا قبل از تسلط اسلام بر ایران، پدیده‌ای بنام مجلس و انتخابات وجود نداشته است و مشاوره محدودی در حد سران قوم غالب و در زمان ساسانیان با مفهائی زردتشتی انجام می‌پذیرفته است و بعد از اسلام نیز ایران مستعمره خلفای اسلام بوده و سلسله‌های مستقل نیز بغیر از مجلس عیش و نوش و شعر و شعر خوانی چیزی نمی‌دانستند و مردم را در بهترین حالت رعیت می‌خواندند و عموماً حکام مستبد و خودرای بودند.

اولین مجلس رسمی و انتخابات در ایران به انقلاب مشروطه بر می‌گردد که با شرکت مردم در انقلاب مشروطیت و لزوم دگرگونی ساختار سیاسی و اجتماعی،

بقیه در صفحه بعد

شوراها را بپا داریم!

بقیه از صفحه قبل

معاملات آشکار و پنهان با انحصارات بین المللی اعتراضات توده ای را تحت کنترل نگه دارد و برای قراردادهای ارتجاعی با کشورهای امپریالیستی توجیه قانونی داشته باشد.

رژیم جمهوری اسلامی با راه اندازی انتخابات و نمایش تضادهای درونی، مردم را به تغییرات از بالا امیدوار و از جنبش توده ای جلوگیری نماید. رژیم در مورد انتخابات به اشکال زیر عمل کرده است.

کنترل تضادهای درونی و حذف نیروهای غیر خودی: رژیم با تنظیم قانون انتخابات و مشخص کردن اهرمهای کنترلی ورود افراد به مجلس را کنترل می کند. محدودیت های دیگری در این قانون از قبیل درجه بندی اجتماعی و مدرکی و... وجود دارد که شامل طبقه کارگر و گروههای اجتماعی وسیعی می شود، که موجب غیبت کارگران و سایر زحمتکشان در این ارگان "مجلس شورای اسلامی" می شود که توضیح آن در این مقاله نمی گنجد. البته هر روز که می گذرد این محدودیت شامل تعداد زیادی از طبقه های درونی رژیم نیز می شود.

ابتدا رژیم با قید مسلمان و یا معتقد به چند دین رسمی در جمهوری اسلامی و اعلام حدود آن افراد غیر مذهبی و یا افراد تابع مذاهب دیگر که در جمهوری اسلامی برسمیت شناخته نشده اند، از وارد شدن آنان به مجلس شورای اسلامی جلوگیری بعمل آورد. (هرچند رژیم با مخالفان سیاسی و ایدئولوژیک خود به شیوه نابودی برخورد می کند و در این راه بسیاری را به جوخه های اعدام سپرده است.) رژیم با قید پابندی افراد به قانون اساسی و التزام عملی به ولایت فقیه این محدوده را به درون نیروهای مذهبی کشاند و بخشی از نیروهای نزدیک خود را نیز که مایل به شرکت در انتخابات و فعالیت در چارچوب رژیم جمهوری اسلامی بودند کنار زد. با تداوم بحران و رشد تضادهای درونی فیلتر جدیدی بنام نظارت استصوابی شکل گرفت و در انتخابات اخیر بشکل گسترده ای به حذف نیروهای دوم خردادی پرداخت. البته نخستین فیلتر قانون انتخابات توسط وزارت کشور عملی می گردد که آن همخوانی و مطابقت شرایط کاندیداتورها با قانون انتخابات است و بررسی سوابق افراد توسط وزارت اطلاعات و قوه قضائیه صورت می گیرد. فیلتر بعدی شورای نگهبان است که با نظارت استصوابی توانست نیروهای رقیب خط ولایتی را در انتخابات از میدان خارج سازد. فیلتر دیگری که نماینده در صورت انتخاب شدن باید از آن بگذرد مجلس است که باید مورد رسیدگی قرار گیرد. آخرین فیلتری که روی نماینده وجود دارد همان حکم ولایتی است که هیچ وقت نمی تواند از آن در امان باشد. با سیاست جدید و حمله به باند اصلاح طلبان حکومتی از طرف باند ولایتی، که به حذف بخشی از دوم خردادی ها انجامید یکدست سازی حکومت شکل علنی بخود گرفت.

در طرف دیگر انتخاب کنندگان هستند که بر خلاف انتخاب شوندگان محدودیت رقیبی ندارند و برعکس سعی شده است که دامنه انتخاب کنندگان را تا سن کودکی گسترش یابد که این خود در تناقض با قوانین مدنی است. در قوانین

بقیه در صفحه بعد

مجلس بعنوان مرکز سازماندهی وارد تحولات اجتماعی می گردد. از آنجا که نیروهای مترقی و توده های مردم نتوانستند ابزارهای دفاع از دستاوردهای و پیشروی انقلاب را بوجود آورند و با خلع سلاح نیروهای انقلابی مجلس نیز تضعیف گردید و نتوانست نقش طبقاتی خود را بازی کند. هرچند در انقلاب مشروطیت مجلس شورای ملی شکل گرفت و طبقه های اجتماعی مختلف بدون نظارت و با انتخابات آزاد وارد مجلس شدند. تثبیت مجلس شورای ملی در ساختار اجتماعی ایران تحولی بجلو بوده و نشان از اراده توده ها به دخالت در سرنوشت شان می باشد. با این حال، نبود تشکلهای قوی و کم بها دادن به نقش سازماندهی مردم، انقلاب را در مقابل نیروهای ارتجاعی سازمان یافته بی دفاع گذاشت. بعد از شکست انقلاب مشروطیت، مجلس تبدیل به ابزار حکومتی سلطنت پهلوی گردید. با تسلط جمهوری اسلامی و اعمال مذهب در ساختار سیاسی و سازمانهای اجتماعی، نقش مردم علیرغم حضور گسترده آنان در سرنوشت رژیم دیکتاتوری شاه نادیده گرفته شد و با یورش به تشکلهای توده ای شوراها و... از عالیترین شکل مشارکت مردم در سرنوشت خود جلوگیری بعمل آمد. رژیم همزمان به سازماندهی نیروهای سرکوب پرداخت و با تشکیل کمیته ها و بسیج مساجد بازوی نظامی خود را تقویت و با تاسیس سپاه پاسداران ارگان نظامی قدرتمندی بوجود آورد. رژیم با تسلط بر ارگانهای دولت قانون اساسی جمهوری اسلامی را تدوین و به رفراندوم گذاشت. با تصویب قانون اساسی و انطباق آن با احکام شرع، نقش مردم در سرنوشت خود کاملا نادیده گرفته شد. با این حال بعضی ها اسرار دارند که ثابت کنند در قانون اساسی جمهوری اسلامی نقشی نیز به توده های مردم داده شده است. قانونی که بر اساس دین و شرع و سنت اسلامی تعریف و در رأس آن ولایت فقیه قرار دارد و ولی فقیه میتواند بدون هیچگونه اعتراضی با حکم حکومتی تمامی قوانین را تغییر و یا لغو کند و همه را ملزم به پیروی از ولایت فقیه کند. در شرایط کنونی پایه اقتصادی ولایت فقیه "باند مافیائی ولی فقیه" از بازار سنتی و دلالتی و درآمدهای اوقافی نهادهای روحانیت و تشکلهای مذهبی سیاسی شروع و به دلالتی مالی و پورسانتازهای معاملات بین المللی در نفت و گاز و صنایع و سلاحهای جنگی و همچنین به منابع مالی عظیم آستانهای مذهبی و... می رسد که در چنین شرایطی صحبت از تغییر شرایط از طریق پارلمان ریاکارانه است.

با این وجود رژیم بالاچار دست به انتخابات می زند و با ترفندهای ترس و ایجاد وحشت و ناامیدی و وعده های دروغین، بسیاری از مردم را به پای صندوق های رای می کشاند. با این وجود هر دوره برگزاری موفقیت آمیز انتخابات با آمار بسیار بالا اعلام می شود که این ارقام، تناسبی با آمار جمعیت ندارد بطوری که در این دوره آمار واحدی از ارگانهای رسمی کشور دریافت نمی شود. از طرف دیگر هر قدر به آمار رای دهندگان افزوده می شود تعداد انتخاب شوندگان محدودتر می گردد. با وجود این رژیم از طریق مجلس و انتخابات توانسته تضادهای درونی خود را تخفیف و برای ادامه روابط بین المللی غارتگرانه و

شوراها را بپا داریم!

بقیه از صفحه قبل

اصلاح طلبان چیزی جز افزایش سرکوب، فقر و فلاکت، آمار اعدامها، سنگسارها، رواج فحشا و خرید و فروش و صادرات زنان و دختران فقیر و نیازمند به خارج کشور و شیخ نشینها نبود.

در این سخنرانی سیمین آزاد در بیان بخشی از خاطرات و مشاهدات خود در زندانهای رژیم به وضعیت کودکان در زندان اشاره کرد و گفت: "برخی با کودک یا نوزاد خود دستگیر شده یا هنگام بازداشت باردار بودند و در زندان فرزند خود را بدنیا آورده بودند. از این کودکان خردسال یا حتی نوزادان در زندان سیاسی و در دوران بازجویی برای اعتراف گیری یا وادار کردن به همکاری مادران با آنان سو استفاده می کردند، یا مادر را در حضور کودک شکنجه می کردند یا کودک را در حضور مادر، نوزادان را از مادران جدا میکردند و اجازه دیدار یا حتی شیر دادن به آنان را نمی دادند تا مادر آنچه را که بازجوی جانی می خواهد بگوید یا انجام دهد. رواج بیماری های بزرگسالان زندانی در میان کودکان آنان در داخل زندان مثل قارچ پوستی، عفونت رحم و غیره." وی در بیان خاطره دیگری از زنان زندانی در اوین و قزل حصار، به بازجویی های مجدد زنان و دختران مقاوم زندان اشاره کرد و گفت: "گاه این بازجویی های مجدد بسیار بی رحمانه تر و عواقب آن برای زندان خطرناکتر از حتی بازجویی های بعد از دستگیری بود، او در باره دختری که در اثر مشاهده صحنه تیرباران رفقای خود به مشکلات روانی دچار شده بود، گفت: "زهر را با دیگر اعدامیان به محل تیرباران برده بودند و او را وادار کرده بودند که تمام مراسم و مراحل تیرباران دوستان و رفقای خود را ببیند و در حالی که او شدیداً شوکه شده و در حالت طبیعی نبوده، او را به کتک و تهدید به بالای سر جسد دوست و رفیق نزدیکش که با هم دستگیر شده بودند، برده بودند، در حالی که تفنگ در دست پاسدار جلا بد دست او را روی ماشه گذاشته و تیر خلاص زده بودند، زهرها همیشه ساکت بود و در گوشه ای مخصوص از سلول همیشه می نشست و آنجا را محل دائمی خود کرده بود. با اصرار من و دیگران کمی می خورد و می نوشید و دیگر هیچ، همیشه به دنبال فرصتی برای از بین بردن خود بود و اصلاً حال خود را نمی فهمید، زمان و مکان را کم کم بطور کامل گم کرد. روزی پاسداران آمدند و او را بردند، اما نه به بهداری و جائی مثل آن، ما بسیار پرسیدیم و تلاش کردیم، ولی دیگر هیچ کس او را ندید."

بعد از بیان خاطرات زندان وی اشاراتی به وضعیت کنونی مبارزات ترقی خواهانه در ایران و بی اعتنائی مردم به تحصن نمایندگان اصلاح طلب مجلس شورای اسلامی اشاره کرد و گفت: "وقتی برای تظاهرات کارگران کارخانه ها که همه می دانند چه خطراتی در پی دارد و یا دانشجویان یا معلمان، این چنین پر انرژی و با شهامت مردم شرکت می کنند و از باز داشت و شکنجه و حتا از تیر و تفنگ نیروهای امنیتی رژیم و از چاقو و پنجه بکس افراد حزب الهی رژیم نمی ترسند، نگاه کنید که چقدر و چه حد محدودی از تحصن نمایندگان جناح

مدنی جمهوری اسلامی، زنان از حقوق اجتماعی برابر با مردان برخوردار نیستند و حتا اجازه خارج شدن از خانه بدون اجازه مرد به او داده نشده است و شهادت آنان به تنهایی مورد قبول واقع نمی شود و قضاوت آنان کاملاً منتفی است. افراد زیر ۱۸ سال نیز در قوانین مدنی تحت قیمومت والدین خود می باشند و استقلال اقتصادی و مدنی ندارند. از آنجا که رژیم هیچگونه اعتقادی به آرا مردم ندارد با پائین آوردن سن واجدین شرایط رای گیری تا ۱۶ سالگی، تنها به ارقام آرا می اندیشد تا صندوقها آسانتر پر شده و در محافل بین المللی مورد سرزنش قرار نگیرد. با این حال رژیم برای تکمیل آمار خود به هر حيله ای دست می زند که آخرین حيله وی واردات شناسنامه از پاکستان و افغانستان بوده است. حق تعیین و دخالت در سرنوشت برای مردم امری لازم و ضروری است و همه حق دارند در مورد سرنوشت خود تصمیم بگیرند و نوع حکومت خود را تعیین کنند. جمهوری اسلامی هیچگونه حقی برای مرد قائل نیست و تمامی انتخابات فرمایشی نیز برای سرکوب اعتراضات توده ای انجام می شود. نمایشات اخیر درماندگی و زوال رژیم را آشکارتر ساخت و بیش از هر زمانی بر سردرگمی رژیم افزود. به پا خیزیم و با یاری همدیگر نهادهای توده ای و کاملاً انتخابی شوراها و انجمن ها را بپا داریم و انتخابات و اراده واقعی توده ای را به نمایش بگذاریم.

گزارش از آکسیون افشاگری نقض حقوق زنان در جمهوری اسلامی!

گزارشگر: رضا

روز ۳۱ ژانویه ۲۰۰۴ در شهر "لیگ" بلژیک آکسیونی در مورد نقض حقوق بشر و حقوق زنان در رژیم جمهوری اسلامی ایران برگزار گردید. این آکسیون از طرف فعالین چپ و دموکرات بلژیک برگزار و ۵۰ نفر در این آکسیون شرکت داشتند که شدیداً مورد استقبال قرار گرفت و خبرنگاران از این مراسم گزارش تهیه کردند. سیمین آزاد سخنران اصلی و از زندانیان سیاسی که به تازگی به دولت بلژیک پناهنده شده است، طی سخنانی ضمن اشاره به خوی سرکوبگری رژیم، به شدت به دادگاههای چند لحظه ای اسلامی، در مورد فعالان کارگری و اپوزیسیون هوادار سوسیالیسم و دموکرات حمله کرد و گفت: "زندانیان حق گرفتن وکیل را ندارند و عموماً جاهای نگهداری زندانیان در مکانهای نامعلوم صورت می گیرد و شکنجه های وحشیانه ای صورت می گیرد." وی با بیان خاطراتی از زندان و هم بدندان سیاسی خود خواستار حمایت زنان مترقی کشورها از مبارزات زنان ایران در راه آزادی و برابری شد و گفت: "ما رژیم اسلامی سنگسار، شلاق، بی حقوقی اجتماعی، تبعیض و آپارتاید جنسی نمی خواهیم. ما قوانین شرعی، صیغه، چندهمسری و سرکوب مضاعف در ایران را نمی خواهیم، ما در این شرایط نابرابر و نا عادلانه ایستادگی کرده و می کنیم و انتظار حمایت از همه آزادگان جهان بخصوص زنان پیشرو و مترقی خارج از ایران را داریم."

او ضمن افشای جناحهای رژیم در مورد حقوق زن، سرکوب زنان انقلابی و مترقی در ایران، گشتار زندانیان سیاسی سال ۱۳۶۷ یادآور شد که دستاوردهای دوران

بقیه در صفحه بعد

کارگران جهان متحد شوید! Workers of the world unite!

گزارش از آکسیون افشاگری نقض حقوق زنان ...

بقیه از صفحه قبل

وقایع و حقایق، ضمن خلق افکار از سلطنت دودمان ننگین پهلوی نیز اعاده حیثیت بکنند.

یکی از سلطنت طلبان یعنی خانم الهه بقراط در کیهان لندن _ ارگان سلطنت طلبان _ به تاریخ ۱۹ فوریه ۲۰۰۴ می فرماید که قانون اساسی ج. ا. متناقض می باشد زیرا "در حرف از «حق حاکمیت مردم» سخن می گوید و در عمل تمامی حقوق و اختیارات را به شخص «ولی مطلقه فقیه» می سپارد. " و یا "ج. ا. هم چنان یک نظام خودکامه است. در این نظام نه مردم، بلکه «حکم حکومتی» حرف آخر را می زند. "

آیا برآستی نویسنده کیهان لندن سرسوزنی به حرفهای خودش اعتقاد دارد؟ اگر دارد (که ندارد) پس چرا از رژیم سلطنتی دفاع می کند؟ مگر نمیداند که محمد رضا شاه با همکاری امپریالیستها، نخست وزیر منتخب مردم را در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ سرنگون کرد!! چرا با گذشت نیم قرن از کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد، امید آینده سلطنت طلبان یعنی سرنگونی بخت شاه از موضعگیری در مورد آن طفره می رود و مدعی می شود که چون در زمان کودتا هنوز بدینا نیامده بودم، از اینرو نمی توانم در باره آن اظهار نظر بکنم! مگر پدر تاجداران در اوج قدرت، ابلهانه امر نمی کرد که هر که نمی خواهد وارد حزب رستاخیز بشود، باید ایران را ترک بکند (حکم حکومتی) بنا به ادعای اعوان و انصار خودتان، شاه تمام مسائل مهم سیاست خارجی ایران را از طریق مشاورین خودش پیش می برد، بدون اینکه نخست وزیر و وزیر امور خارجه مملکت خبر داشته باشند. (باز صد رحمت به ولی فقیه). کسانی که دمکرات هستند و به رأی و نظر مردم احترام می گذارند، نمی توانند از خاندان ننگین پهلوی حمایت کنند. خانواده ای که در طول بیش از ۵ دهه حکومت، دهها هزار تن از بهترین فرزندان این آب و خاک را از هستی ساقط کرد. به هنگام پادشاهی احمد شاه، آخرین شاه قاجار، در ایران قانون اساسی مشروطه جاری و مردم از برخی آزادی ها منجمله آزادی بیان برخوردار بودند. رضا خان به محض رسیدن به قدرت، قانون اساسی مشروطه را ملغی و حکومت استبدادی _ فردی خویش را جایگزین آن ساخت و در کمتر از ۲ دهه به ثروتمندترین فرد ایران تبدیل شد. محمد رضا نیز که در اوایل کار هنوز جاپای خود را محکم نکرده بود، خویش را دمکرات و طرفدار زحمتکشان (مثل سلطنت طلبان امروزی) می نامید.

ولی با افزایش تدریجی پایه های قدرتش، ماهیت واقعی خودش را نشان داده، به سرکوب جنبش دمکراتیک و کارگری مردم ایران پرداخت. با آغاز مبارزه برسر ملی کردن صنعت نفت، دیگر، دربار به لانه فساد تبدیل شده بود. شاه در ضدیت با این جنبش و نخست وزیر منتخب مردم تا آنجا پیش رفت که به همراه امپریالیستها دست به کودتا علیه حکومت ملی مصدق زد و تا ۲۵ سال بعد از کودتا با مشت آهنین بر ایران حکومت کرد. شاه بعد از کودتا چوب حراج بر منابع زیرزمینی ایران زد و به دستور اربابان امپریالیستش طرح اصلاحات ارضی را به اجرا گذاشت که نتیجه آن نابودی کشاورزی ایران بود. با پول مردم زحمتکش

بقیه در صفحه بعد

خاتمی در مجلس ارتجاع اسلامی حمایت کردند، کوچکتر از یک تظاهرات معلمان در یک شهر کوچک."

بعد از سخنرانی سیمین آزاد دو تن از فعالان حقوق پناهندگی با اشاره به سخنرانی انجام شده به بیان دلایل رد درخواست پناهندگی عده ای از ایرانیان در بلژیک پرداختند و موضع دولت بلژیک را نقض حقوق بشر و معامله گرانه خواندند. ضمن اشاره به تحصن بزرگ ایرانیان در سال گذشته و نتایج آن نقض قولها به متحصنین چشم پوشی در برابر نقض فاحش حقوق انسانی در ایران و خطرات بازگشت ایرانیان پناهنده به ایران که از جانب دولت بلژیک انجام می شود را خطرناک و غیر انسانی خواندند. در پایان یکی از پناهندگان با صدای خود از مراسم استقبال کرد.

در حاشیه این مراسم نمایشگاه عکسهائی از نقض حقوق بشر، اعدام های زندانیان سیاسی در سالهای اخیر، گلزارخاوران، وضعیت وخیم کودکان خیابانی، سرکوب مضاعف زنان در ایران برگزار و مورد مشاهده مهمانان جلسه قرار گرفت.

در افشای چهره کریه سلطنت طلبان

اسکندر نویدی

قساوت و بیرحمی بی حد و حصر رژیم جمهوری اسلامی علیه نیروها و سازمانهای مخالف و اجرای یک رشته سیاستهای قرون وسطائی نظیر حجاب اجباری، سنگسار، قطع دست، به همراه فقر و فاقد عمومی طرفداران رژیم سلطنتی را به صرافت انداخته تا با دمکرات نمائی و استفاده از بی خبری بخشی از مردم خود را بعنوان آلترناتیو دموکراتیک ج. ا. جا بیاندازد. آنها در این راه بر روی دو نکته اساسی حساب باز کرده اند:

۱_ سرکوب و کشتار کمونیستها و سایر نیروهای دموکراتیک جامعه، خلاءای بین نسلی که با تهور قیام ۵۷ را پیش برد و نسل کنونی ایجاد کرده است.

۲_ کم حافظه گی تاریخی مردم.

واقعیت این است که خیلی از جوانانی که امروز به مبارزه روی آورده اند از تاریخ و تجربه مبارزاتی نسلهای دهه ۶۰ و ۵۰ بیخبر هستند. نسل فعلی هیچ تجربه ملموسی از سلطنت پهلوی ندارد. این جوانان فقط ج. ا.، تار الله، خواهر زینب ها و نیروهای امر به معروف ونهی از منکر را دیده اند. این گسست بین دو نسل و کم حافظه گی بخشی از مردم مایه قوت دل مبلغین سلطنت گشته است. سلطنت طلبان نوکران با جیره و مواجب امپریالیسم و صهیونیسم میباشند. دزدان اموال عمومی هستند. ثمره کار و رنج میلیونها نفر از زحمتکشان میهنمان در طول بیش از ۵ دهه سلطنت خاندان پهلوی به یغما برده اند. اینان به هنگام فرارشان در سال ۵۷، این پولها را به خارج از کشور آورده اند. اکنون با این پولها و پولهایی که از سیا و موساد می گیرند، دارای امکانات وسیع تبلیغی می باشند. از اینرو سعی وافر به خرج می دهند تا با اتکاء بر این امکانات گسترده بر روی افکار عمومی تأثیر بگذارند، در تلاشند تا با تحریف تاریخ و وارونه نشان دادن

در افشای چهره کریه سلطنت طلبان

بقیه از صفحه قبل

است و بیشتر تصمیمات دولتی، حتی تصمیمات جزئی، توسط سازمانهای مرکزی در آنکارا اتخاذ می شود. در صورت تصویب این لایحه، نظارت مستقیم دولت مرکزی بر فعالیت ادارات محلی کاهش می یابد و مقامات محلی می توانند به طور مستقل در برخی امور تصمیم گیری کنند. مخالفان این لایحه معتقدند که اجرای این لایحه باعث اخراج بخشی از کارمندان و همچنین سیاسی شدن تشکیلات اداری ترکیه می شود. دولت کنونی ترکیه در اختیار حزبی با ریشه های اسلامی قرار دارد در حالیکه ساختار اداری دولت عموماً به عنوان یکی از محافظان آرمانهای لائیک نظام سیاسی کشور تلقی می شود. برخی از مخالفان لایحه بیو آن دارند که تمرکززدایی باعث شود تا کارمندان به خصوص در ادارات محلی تحت نفوذ اسلامگرایان قرار گیرند.

تحصن معلمان در اردبیل

فرهنگیان استان اردبیل با تجمع در برابر ساختمان سازمان آموزش و پرورش اردبیل به عدم پرداخت مطالباتشان اعتراض کردند. تجمع افراد به حدی بود که علاوه بر حیاط سازمان به خیابان دانش و کوچه های همجوار کشیده شد. تجمع کنندگان شعارهایی در خصوص دروغگو بودن حاجی وزیر آموزش و پرورش سر دادند. گفتنی مسئول اتحادیه صنفی معلمان استان اردبیل توسط نیروهای اطلاعاتی بازداشت شد و تا ساعت ۱۱ شب خبری از وی نشد. همچنین در شهرهای مشکین شهر لاهورد رضی و بخش ارسق معلمان از حضور در کلاسهای درس خودداری کرده اند که با تهدید روسای ادارات به انفصال از خدمت خواهند شد!!! (آرمین رئیس اداره لاهورد تمامی معلمان این منطقه را که روز شنبه ۱۶ اسفند تمامی مدارس شهر لاهورد را به تعطیلی کشاندند را با کسر یک روز از حقوقشان تیبیه خواهد کرد.)



<http://www.fedayi.org>

نشریه ریگای که ل ارگان کمیته ایالتی کردستان سازمان به زبان کردی منتشر شد.

نشریه دان اولدوزو ارگان کمیته ایالتی آذربایجان سازمان به زبان ترکی آذری منتشر شد.

برای دریافت نشریات فوق به سایت سازمان در شبکه اینترنت مراجعه کنید

ایران در دهها شرکت امپریالیستی سرمایه گذاری و آنها را از ورشگستگی نجات داد. برآستی که جنایت، دزدی و خیانت پهلوی ها بی حد و مرز است. همین دفاع بی قیدو شرط سلطنت طلبان از دیکتاتوری پهلوی ها نشاندهنده آن است که اینها هیچ اعتقادی به رأی و نظر مردم ندارند و تمامی ادعاهای آنها در مورد آزادی و دموکراسی دروغی بیش نیست. آنها با زدن ماسک بر چهره درصدد پنهان کردن ماهیت واقعی خود هستند، تا در فرصت مناسب با خریدن به قدرت، حکومت دیکتاتوری خویش را مجدداً ایجاد و به سیاق ایام ماقبل قیام ۱۳۵۷ به غارت و چپاول مشغول شوند. با پشت چشم نازک کردن و قیافه حق به جانب گرفتن، کسی دمکرات نمی شود. کسانی که از خلق فلسطین علیه اسرائیل و از مبارزه آنان برای حق تعیین سرنوشت خویش دفاع نمی کنند، نمی توانند دمکرات باشند. کسانی که از اشغال عراق و افغانستان توسط امریکا حمایت می کنند، دشمنان کارگران و زحمتگشان هستند و به رأی و نظر مردم پیشیزی ارزش فائل نیستند.

سلطنت طلبان که فکر میکردند بعد از عراق و افغانستان، اربابشان به حساب ایران نیز خواهد رسید و آنها را مجدداً به قدرت خواهد رساند. بدنبال مقاومت قهرمانه مردم و گیرکردن نیروهای امریکائی در باطلاق عراق، تنمه آرزوهایشان نیز بر باد رفته است. تنها فکری که الان جرج بوش نمی کند، حمله به کشور دیگر است. البته امپریالیستها با هوش تر از آنند که روی سلطنت طلبان حساب ویژه ای باز کنند. آنها می دانند که سلطنت مورد نفرت مردم منطقه می باشد. از اینرو از سلطنت طلبان فقط و فقط بعنوان اهرم فشار علیه دولتهای متبوعشان استفاده میکنند. همانطور که در تغییر و تحولات افغانستان و عراق چیزی نصیب ظاهر شاه و خاندان سلطنتی عراق نگردید. سلطنت طلبان ایرانی نیز بمانند هم کیشان خود در عراق و افغانستان، هیچ شانسی در تغییر و تحولات آتی ایران نخواهند داشت. خصوصاً که مردم ایران در قیام پر شکوه بهمن ۵۷، رژیم سلطنتی را برای همیشه به زباله دانی تاریخ سپرده است. افشای چهره کریه سلطنت طلبان و دریدن ماسک آزادیخواهی دروغین آنها و نشان دادن این که هیچ فرق اساسی بین ولایت فقیه و ولایت شاه نیست، وظیفه تک تک ما میباشد.

تظاهرات گسترده علیه تمرکززدایی در ترکیه

برنامه دولت ترکیه برای اصلاحات در نظام اداری آن کشور با مخالفت گسترده مردم مواجه شده است. در تظاهراتی در آنکارا، پایتخت، که از زمان مخالفت مردم با جنگ عراق بی سابقه بوده است، حدود هشتاد هزار نفر به راهپیمایی در خیابانها دست زده اند و مخالفت خود را با لایحه دولت در مورد تمرکززدایی و دادن اختیارات بیشتر به نهادهای محلی، از جمله آزادی عمل استخدام و اخراج کارمندان، ابراز داشته اند. بر اساس این لایحه، که در پارلمان ترکیه مطرح است، نظام اداری ترکیه دستخوش تحولات عمیقی می شود و بخشی از قدرت دولت مرکزی به ادارات محلی انتقال می یابد. ترکیه دارای نظام اداری بسیار متمرکز

کارگران جهان متحد شوید! Workers of the world unite!

گزارشاتی دیگر از اعتصابات معلمان

تحصن معلمان و تعطیلی مدارس راهنمایی و دبیرستانها در بجنورد امروز تعداد دیگری از دبیرستانهای شهر بجنورد بوسیله مدیران آن تعطیل و دانش آموزان راهی منازل خود شدند. در همین رابطه امشب در محل کانون بازنشستگان بجنورد جلسه ای با حضور جمع کثیری از دبیران برگزار شد و آنان خواهان ادامه تحصن تا تحقق خواسته های خود شدند. این جلسه با هماهنگی انجمن صنفی فرهنگیان بجنورد برگزار شده بود.

دومین روز تحصن معلمان با گستردگی بسیار در سطح شهر تهران انجام گرفت.

(به نقل از مدیر یکی از مدارس تهران)

روز قبل تعدادی از معلمان در دفتر مردد به انجام تحصن بودند و بین کلاس و دفتر در رفت و آمد بودند ولی در روز دوم متحدتر و با انگیزه های بیشتری به تحصن خود ادامه دادند. در دفتر در ضمن گفتگو از تبعیضات بحث در مورد مسائل سیاسی و نفرت خود از حاکمان بسیار آشکار و بدون ترس ابراز میشد و اگر کسی می خواست از دفتر خارج شود باید علت خروج خود را توضیح میداد. در بیرون مدرسه اولیای بچه ها تجمع کرده و خواستار بردن بچه های خود بودند و من به عنوان مدیر مدرسه اجازه این کار را میدادم و به آنها اطلاع میدادم که اگر بچه ها تا پایان هفته غیبت کنند، غیبتشان غیر موجه نخواهد بود. و با توجه به اخباری که از مدارس دیگر گرفته ام آنها هم به شکل من عمل کرده اند و تصور میکنم روز سوم تحصن حدود ۴۰٪ دانش آموزان غایب باشند. به امید پیروزی و آزادی مردم ایران و پایان گرفتن تبعیضات ناروا (معلمان اتحاد اتحاد اتحاد)

اعتصاب گسترده معلمان منطقه ۱۴ تهران در پاسخ به تقاضای مجمع صنفی معلمان تعداد بسیاری از مدارس منطقه ۱۴ به جمع اعتصابیون اضافه گردید که این روند رو به افزایش است.

معلمین عزیز! موقعیت پیش آمده را از دست ندهید و به اخطارهای بعضی از مدیران خودفروخته و دزد وقتی ننهید. با اتحاد و پیگیری خواسته های خود تا رسیدن به تمامی خواسته ها پایداری کنید. ما به این حاکمان جور باید بفهمانیم که اگر معلم برخیزد می تواند آنچهان حربه ای نشان دهد که خواب را بر ستمگران و آنهایی که کمترین ارزشی برای انسان و انسانیت قائل نیستند حرام کند. این ما بودیم که در زمان شاه اولین تظاهرات ضد حکومتی را راه انداختیم و حالا بار دیگر به یاری دانش آموزان که تنها باوران ما هستند خواهیم توانست علاوه بر رسیدن به حق خود تومار این مستبدین اسلام نما را در هم بیچانیم. به امید پیروزی

اعتصاب آموزگاران و دبیران زحمتکش

اعتصاب آموزگاران و دبیران زحمتکش اقدامی انقلابی در مبارزه علیه ستم و استثمار معلمان زحمتکش کشور که مسئولیت بزرگ تعلیم و تربیت نسل آینده را برعهده دارند همواره از کمترین امکانات رفاهی برخوردار بوده و با دستمزدی اندک مجبور بودند برای امرار معاش خود در کنار حرفه معلمی به کارهای طاقت فرسای دیگری نیز روی آورند. اعتراضات برحق معلمان کشور به این بی عدالتی و ظلم و ستم آشکار همیشه با سرکوب و نیرنگ مواجه میشدند، یکی از علل شکست مبارزات معلمان مثل طبقه کارگر ایران نداشتن تشکل سراسری و اقدامات متحد و همزمان بوده است که خوشبختانه به موازات رشد و گسترش مبارزات اقشار مختلف مردم سطح مبارزات این قشر زحمتکش نیز درحال گذار از مراحل پراکندگی به سمت اتحاد و سازمانیافتگی است، طی سالهای اخیر مبارزات معلمان به مراحل متکامل تری قدم گذاشته است که نویدبخش چشمانداز روشنی در مبارزه برای احقاق حقوق این قشر عظیم و پرشمار و موثر بشمار میاید از جمله دیروز شب ۱۶ اسفند اعلام اعتصاب سراسری یک هفته ای معلمان آغاز شده است. تاکنون معلمان بخش های مختلف کشور به این اعتصاب پیوسته اند ما امید داریم که همبستگی و اتحاد معلمان زحمتکش کشور با گسترش مبارزه و مقاومت تا رسیدن به خواسته هایشان توأم شده و پیروز شوند وظیفه همه دانش آموزان دانشجویان و انسانهای آزادیخواه است که از مبارزات معلمان حمایت کرده و آنها را در مبارزه برحق شان تنها نگذارند.

حمله نیروی انتظامی به معلمان در همدان

به نقل از بیک ایران گزارش می شود که معلمان و دانش آموزان شهر همدان در یک حرکت متحد و یکپارچه به مقابله با نیروهای سرکوبگر انتظامی پرداختند. به گزارش دریافتی روز یکشنبه هفدهم اسفندماه در ادامه اعتصاب معلمان همدان در دبیرستان کوثر ماموران انتظامی به این دبیرستان یورش برده و معلمان نیز که دانش آموزان به آنها ملحق شده بودند در مقابل نیروهای انتظامی به مقاومت پرداخته و حاضر به رفتن به سر کلاسهای درس نشدند. دانش آموزان نیروهای انتظامی را هو کرده و از مدرسه بیرون رفتند، در ادامه این حرکت اعتراضی معلمان دبیرستان کوثر همراه با سایر معلمان و دانش آموزان مدارس دیگر به طور همزمان در ناحیه ۲ آموزش و پرورش تجمع کردند. در این تجمع دانش آموزان شروع به شعار دادن نموده و تعدادی از شیشه های محل را شکستند. در وحشت از گسترش این حرکت اعتراضی مدیر کا آموزش و پرورش استان همدان به همراه دو تن دیگر به نامهای صادقی و گلشنی از کارگزاران حکومتی در این شهر به معلمان وعده دادند که به تهران رفته و خواسته های آنان را دنبال کنند. معلمان نیز اعلام کردند که تا تحقق خواسته هایشان به سر کلاسهای درس نمی روند.

مرگ مرد ایرانی چهار روز پس از خوردن شلاق

ناراحتی های قلبی نداشت، روز ۲۲ فوریه ۲۰۰۴ در اثر حمله قلبی درگذشت. سازمان عفو بین الملل می افزاید: وی قربانی قوانین کشورش و نظامی قضایی شد که او را از داشتن وکیل مدافع محروم کرد. مرگ بیهوده محسن مفیدی به ما می گوید که نظام قضایی ایران پاسخگوی نیازهای شهروندان این کشور نیست و در حفظ قانون و حفاظت از آزادی های بنیادی ناکام مانده است.

بدون شرح



به نقل از بی بی سی

سازمان عفو بین الملل در بخش وب سایت خود از مرگ یک مرد ایرانی در اثر حمله قلبی، درست چهار روز پس از خوردن ۸۰ ضربه شلاق، خبر داده است.

به گزارش این سازمان محسن مفیدی، ۳۵ ساله و دو خواهر وی مهدیس، ۱۹ ساله و نیکا، ۱۷ ساله به ظن داشتن آنتن ماهواره ای در ماه ژوئن سال ۲۰۰۳ در خانه خود بازداشت شدند. دو خواهر بعداً گفتند که در جریان بازداشت با زنجیر و چوب کتک خورده اند. محسن مفیدی در پی تحقیقات قضایی، به داشتن آنتن غیر مجاز ماهواره ای و الکل (البته به صورت مخلول در دارو) و ترغیب دو خواهر جوانتر خود به فساد متهم شد. بنا به گزارشها دو خواهر به هنگام بازجویی به زنا و روابط نامشروع اقرار کردند. به گزارش سازمان عفو بین الملل قاضی در ماه اوت ۲۰۰۳ دو زن جوان را که یکی از آنها هنوز زیر ۱۸ سال داشت، به ۱۳۰ ضربه شلاق محکوم کرد. محسن مفیدی نیز به چهار ماه زندان، جریمه نقدی و ۸۰ ضربه شلاق محکوم شد. بنا به این گزارش دو خواهر در سال ۲۰۰۴ به هنگام اجرای مجازات به کانادا گریخته بودند. با این حال برادر آنها، محسن مفیدی، به زندان قصر منتقل شد.

بنا به برخی گزارشها وی علی رغم درخواست مکرر از دسترسی به وکیل محروم شد. آقای مفیدی در جریان همین چند هفته بازداشت به عفونت شدید ریه و سینوس مبتلا شد، به طوری که در درمانگاه زندان بستری شد و در این مدت چندبار از هوش رفت. عفو بین الملل در گزارش خود نوشت اما علیرغم گزارشهای طبی، دایر بر این که عفونت ریوی وی هنوز بهبود نیافته است، ماموران زندان حال او را برای زدن ۸۰ ضربه شلاق مناسب تشخیص دادند. زمانی که او پس از این مجازات به خانه یکی از بستگان خود در تهران منتقل شد حال او به وخامت گرائید و پزشک به خاطر عفونت ریه، به تجویز آنتی بیوتیک برای او پرداخت. اما بر اساس گواهی فوت، محسن مفیدی، مردی ۳۵ ساله که هیچ سابقه ای در زمینه



آخرین اخبار

خوانندگان گرامی در حین صفحه بندی نشریه جهان بودیم که اخبار زیر به دستمان رسید:

سرکوب تظاهرات زنان توسط نیروهای انتظامی در پارک لاله

بعد از ظهر امروز هزاران تن از زنان مبارز به مناسبت سالگرد روز جهانی زن در پارک لاله تهران گرد آمدند و خواهان احقاق حقوق زنان در ایران شدند. طی این تظاهرات زنان مبارز تهران با شعار: مردم، آزادی عدالت سکوت ما خیانت، روز جهانی زن را در ایران تحت حاکمیت رژیم زن ستیز اسلامی گرامی داشتند. بر پایه گزارشهای رسیده پس از اینکه تظاهرات به خیابانهای اطراف پارک لاله کشیده شد، نیروهای انتظامی وحشیانه به تظاهرکنندگان حمله کرده و بسیاری از آنان را مجروح ساختند. هنوز از تعداد دستگیرشدگان خبری در دست نیست.

خبرهای نگران کننده از اعتصاب معلمان در اردبیل

از اردبیل خبرهای تاسف باری به گوش میرسد. متأسفانه ماموران اطلاعاتی جمهوری اسلامی ساعت ۱۱ شب به منزل یکی از اعضای هیئت مدیره اتحادیه صنفی فرهنگیان اردبیل (انوری) میروند و او را (با لباس خواب) با خود میبرند و فردا آزاد میکنند. همین آقا روز بعد قصد ایجاد تفرقه بین صفوف معلمین متجمع را داشت. از او میپرسند که تو از دیروز تا حالا ۱۸۰ درجه تغییر کرده ای. چه اتفاقی برایت افتاده؟ آقا گریه میکند و میگوید که شب مرا به جایی بردند که استاندار، فرماندار، رئیس نیروی انتظامی!!!، نیروهای اطلاعاتی-امنیتی و حتی رئیس سازمان آموزش و پرورش اردبیل حضور داشتند. نیروهای امنیتی در آنجا برگ حق تیر را به من نشان دادند که اگر فردا اقدام ناجوری بکنید تیربارانتان میکنیم و بروید و بیانیه تان را لغو کنید. من هم نه از جان خودم بلکه از جان معلمین بی خبر از همه جا میترسم. البته با این اقدامات هم نتوانستند از تجمع فرهنگیان جلوگیری کنند. بیش از ۲۰۰۰ نفر در تجمعی که جلوی سازمان انجام گرفت حضور یافتند و این اقدام روزهای یکشنبه و دوشنبه هم ادامه یافت. متحصنین به هیچ مسئولی اجازه سخنرانی ندادند و حتی حاج آقا پیامی رئیس سازمان آموزش و پرورش اردبیل هم دو بار خواست سخنرانی کند که معلمین وی را هو کردند. (این حاج آقا پیامی دوست و یار غار جناب مرتضی حاجی وزیر است که قبلاً مدیر کل تعاون اردبیل بود و با بیلاق مرتضی حاجی به وزارت آموزش و پرورش به سمت رئیس سازمان آموزش و پرورش اردبیل انتصاب شد!!! این هم شایسته سалاری در به اصلاح جمهوری!!! اسلامی!!!) البته با دو کامیون نیروهای ضد شورش هر روز از ساعت ۵ صبح در خیابان دانش به حال آماده باش هستند. جالب اینکه دانش آموزان مدرسه ای که درست در کنار سازمان قرار دارد هر روز به حمایت از معلمان میپردازند. هم اینکه اغلب مدارس در سطح شهر اردبیل به صورت تعطیل در آمده است و کلاسها تشکیل نمی

شود. غیور شهر پارس آباد هم حضور در کلاس را تحریم کرده اند. از شهرهای سرعین، مشکین شهر، خلخال، ارشق، اصلاندوز، لاهرود و ضی هم نارضایتی هایی گزارش شده است.

شعارها: زنده باد معلم مبارز - ممد چاخان خوشقول کجایی کجایی؟ پیامی برو بیرون مرگ بر ظلم و جور - مرگ بر مسئول بی لیاقت - حاجی حیا کن وزارت را رها کن - فلسطین را رها کن فکری به حال ما کن - کربوی دیوانه، زورت به ما رسیده!!!

خانه از پای بست ویران است

کلتوم سلطانی

مردم ایران هر از چندگاهی شاهد حرکتهای اعتراضی و شکوه آمیز تنی چند از نمایندگان جناح (اصلاح طلب) رژیم بوده اند. یکی از این آخرین تلاشها استعفای قریب ۱۲۰ تن از آنان در اعتراض به حذف تعداد زیادی نامزد انتخاباتی از طرف (شورای نگهبان) رژیم قبل از انتخابات (مجلس شورای اسلامی) می باشد که در محافل سیاسی و خبری داخل و خارج انعکاس زیادی یافت. هدف از این حرکت واداشتن (شورای نگهبان) به پذیرفتن کاندیداهای حذف شده بود. پس از آن که مشخص گردید که ارگان نامبرده تن به برآورده نمودن این خواسته نمیدهد، بخشی از نمایندگان و نامزدهای انتخاباتی جناح خاتمی برای نخستین بار فراخوان تحریم (انتخابات) را دادند. اما این حرکت نیز باعث عقبنشینی جناح مخافت نشد و انتخابات بدون آنها صورت گرفت و جناح غالب کما فی سابق نمایندگان خود را از صندوقها بیرون آورد و به ریش پیروان خاتمی خندید و بار دیگر نشان داد که رژیم اصلاح پذیر نیست و از گوزه همان برون درآید که دراوست - نگارنده ذیلاً تلاش خواهد نمود استدلال کند که این حرکات هر چند لازم، اما کافی نیستند. مستعفیون باید یک گام کیفی به جلو بردارند و آن، چیزی جز مرزبندی قاطعانه با حکومت اسلامی و بنیانهای فکری آن نمی تواند باشد. دست کم آنها نباید با دمیدن در بوق و کرنای اصلاحات بیشتر از این موجب توهم مردم و طول عمر دولت جمهوری ایران به مثابه یکی از مرتجعترین و شوونیست ترین رژیمهای دنیا بشوند.

دلیل اصلی استعفا و تحریم انتخابات (این آقایان نماینده) تایید نکردن تعداد زیادی نامزد انتخاباتی از جناح موسوم به اصلاح طلب از طرف شورای نگهبان بوده است. در ارتباط با این موضوع چند سؤال اساسی به ذهن خطور می کند. نخست اینکه آیا واقعاً اعتراض این نماینده ها اساساً به مکانیزم انتخابات است یا صرفاً به عدم گزینش آنها از طرف ارگان نامبرده برمیگردد؟ چراکه نمیشود قاعده بازی را ۲۵ سال تمام قبول کرد، اما اکنون که همین قاعده دامن خود و

بقیه در صفحه بعد



نشریه جهان کمونیستی هر پانزده روز یکبار زیر نظر هیات سیاسی و با مسئولیت رفقای نامبرده در زیر منتشر میشود.
تحریریه:
نظام ص.
کلثوم س.
مصطفی ح.
بهرام ص.

مسئول اجرائی نشریه بهرام ص.
نشانی های تماس با اتحاد فدائیان کمونیست
www.fedayi.org

شورای مرکزی
centralconcil@fedayi.org

هیات سیاسی
politburo@fedayi.org

نشریه جهان کمونیستی
jahan@fedayi.org

کمیته کردستان
kurdistan@fedayi.org

کمیته آذربایجان و دفتر نشریه دان اولدوزو
azer@fedayi.org Azerbaijan committe

امور پناهندگی
panahjo@fedayi.org

فاکس اتحاد فدائیان کمونیست
+ (۴۶) ۳۱۷۷۹۲۵۷۱

در مجلس ارتجاع چه میگردد؟



سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی، زنده باد سوسیالیسم